

2. Chronika 24

Persian Standard Bible of 1895 (Old Persian)



- 1 و یوآش هفت ساله بود که پادشاه شد و چهل سال در اورشلیم سلطنت نمود و اسم مادرش ظیب بئرشبعی بود.
- 2 و یوآش در تمامی روزهای یهویداع کاهن، آنچه را که در نظر خداوند راست بود، به عمل می‌آورد.
- 3 و یهویداع دو زن برایش گرفت و او پسران و دختران تولید نمود.
- 4 و بعد از آن، یوآش اراده کرد که خان خداوند را تعمیر نماید.
- 5 و کاهنان و لاویان را جمع کرده، به ایشان گفت: «به شهرهای یهودا بیرون روید و از تمامی اسرائیل نقره برای تعمیرخان خداوند خود، سال به سال جمع کنید، و در این کار تعجیل نمایید.» اما لاویان تعجیل ننمودند.
- 6 پس پادشاه، یهویداع رئیس (کهنه) را خوانده، وی را گفت: «چرا از لاویان بازخواست نکردی که جزیه‌ای را که موسی بند خداوند و جماعت اسرائیل به جهت خیم شهادت قرار داده‌اند، از یهودا و اورشلیم بیاورند؟»
- 7 زیرا که پسران عتلیای خبیثه، خان خدا را خراب کرده، و تمامی موقوفات خان خداوند را صرف تعلیم کرده بودند.
- 8 و پادشاه امر فرمود که صندوقی بسازند و آن را بیرون درواز خان خداوند بگذارند.
- 9 و در یهودا و اورشلیم ندا دردادند که جزیه‌ای را که موسی بند خدا در بیابان بر اسرائیل قرار داده بود، برای خداوند بیاورند.
- 10 و جمیع سروران و تمامی قوم آن را به شادمانی آورده، در صندوق انداختند تا پر شد.
- 11 و چون صندوق به دست لاویان، نزد وکلای پادشاه آورده می‌شد و ایشان می‌دیدند که نقره بسیار هست. آنگاه کاتب پادشاه و وکیل رئیس کهنه آمده، صندوق را خالی می‌کردند و آن را برداشته، باز به جایش می‌گذاشتند. و روز به روز چنین کرده، نقره بسیار جمع کردند.
- 12 و پادشاه و یهویداع آن را به آنانی که در کار خدمت خان خداوند مشغول بودند دادند، و ایشان بتایان و نجاران به جهت تعمیر خان خداوند و آهنگران و مسگران برای مرمّت خان خداوند اجیر نمودند.
- 13 پس عملها به کار پرداختند و کار از دست ایشان به انجام رسید و خان خدا را به حالت اولش برپا داشته، آن را محکم ساختند.
- 14 و چون آن را تمام کرده بودند، بقیه نقره را نزد پادشاه و یهویداع آوردند و از آن برای خان خداوند اسباب یعنی آلات خدمت و آلات قربانی‌ها و قاشقها و ظروف طلا و نقره ساختند، و در تمامی روزهای یهویداع، قربانی‌های سوختنی دائماً در خان خداوند می‌گذرانیدند.
- 15 اما یهویداع پیر و سالخورده شده، بمرد و حین وفاتش صد و سی ساله بود.
- 16 و او را در شهر داود با پادشاهان دفن کردند، زیرا که در اسرائیل هم برای خدا و هم برای خان او نیکویی کرده بود.
- 17 و بعد از وفات یهویداع، سروران یهودا آمدند و پادشاه را تعظیم نمودند و پادشاه در آن وقت به ایشان گوش گرفت.

18 و ایشان خانۀ یهوه خدای پدران خود را ترك کرده، آشیریم و بتها را عبادت نمودند، و به سبب این عصیان ایشان، خشم بر یهودا و اورشلیم افروخته شد.

19 و او انبیاء نزد ایشان فرستاد تا ایشان را به سوی یهوه برگردانند و ایشان آنها را شهادت دادند، اما ایشان گوش نگرفتند.

20 پس روح خدا زکریا ابن یهویداع کاهن را ملّیس ساخت و او بالای قوم ایستاده، به ایشان گفت: «خدا چنین می‌فرماید: شما چرا از اوامر یهوه تجاوز می‌نمایید؟ پس کامیاب نخواهید شد. چونکه خداوند را ترك نموده‌اید، او شما را ترك نموده است.»

21 و ایشان بر او توطئه نموده، او را به حکم پادشاه در صحن خانۀ خداوند سنگسار کردند.

22 پس یوآش پادشاه احسانی را که پدرش یهویداع، به وی نموده بود، بیاد نیاورد، بلکه پسرش را به قتل رسانید. و چون او می‌مرد، گفت: «خداوند این را ببیند و بازخواست نماید.»

23 و در وقت تحویل سال، لشکر آرامیان به ضد وی برآمده، به یهودا و اورشلیم داخل شده، جمیع سروران قوم را از میان قوم هلاک ساختند، و تمامی غنیمت ایشان را نزد پادشاه دمشق فرستادند.

24 زیرا که لشکر آرام با جمعیت کمی آمدند و خداوند لشکر بسیار عظیمی به دست ایشان تسلیم نمود، چونکه یهوه خدای پدران خود را ترك کرده بودند؛ پس بر یوآش قصاص نمودند.

25 و چون از نزد او رفتند (زیرا که او را در مرضهای سخت واگذاشتند)، بندگانِش به سبب خون پسران یهویداع کاهن، براو فتنه انگیزته، او را بر بسترش کشتند. و چون مرد، او را در شهر داود دفن کردند، اما او را در مقبرۀ پادشاهان دفن نکردند.

26 و آنانی که بر او فتنه انگیزتند، اینانند: زاباد، پسر شِمَعَه عَمُونیه و یهوَزاباد، پسر شِمَریتِ موآبیه.

27 و اما حکایت پسرانش و عظمت وَحی که بر او نازل شد و تعمیر خانۀ خدا، اینک در مَدْرَسِ تواریخ پادشاهان مکتوب است، و پسرش اَمَصْیا در جایش پادشاه شد.